گرامی‌باد هشتادوپنجمین سالگرد انقلاب اکتبر

شانزدهم آبان (هفتم نوامبر) مصادف است با سالگرد انقلاب اکتبر. انقلابی که بزرگ‌ترین تحول تاریخی و فکری جامعه مدرن بشری را رقم زد. در خلال جنگ جهانی اول، زمانی که امپراتوری روسیه در نهایت ضعف بسر می‌برد، طبقه کارگر روسیه توانست نقش مهمی در مبارزه طبقاتی آن کشور ایفاء نماید. هنگامی که در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ ماهیت جناح‌های بورژوازی و وزیر سوسیال دمکرات، کرنسکی، برای امواج معترض کارگری و توده‌ای عیان شده بود، کارگران روسیه قادر شدند تا از طریق حزب خود، حزب بلشویک، رهبری جنبش انقلابی را به دست‌گیرند. بلشویک‌ها و لنین با رهبری انقلاب دوم، قدرت طبقه کارگر و کمونیسم برای تغییر جهان و جامعه بشری را به نمایش گذاشتند.

انقلاب اکتبر پیشرفته‌ترین سیستم بیمه‌های اجتماعی و رفاه، مناسب‌ترین ساختار سیاسی برای دخالت کارگران و مردم در اداره امور اقتصادی و سیاسی کشور و پیشروترین جنبش آزادی زنان و جوانان را به ارمغان آورد. دستاوردهای انقلاب اکتبر چنان عظیم بود که برای کل جامعه پیشرفته سرمایه‌داری غیرقابل‌تصور می‌نمود. انقلاب اکتبر منجر به تشکیل انترناسیونال کمونیستی برای سازماندهی و رهبری انقلاب جهانی گشت. ظهور انترناسیونال کمونیستی نشانگر خصلت طبقاتی انترناسیونالیستی انقلاب و رهبری آن بود.

برخلاف تاریخ‌نویسی تاکنونی بورژوازی و جناح‌های چپ آن، انقلاب اکتبر یک انقلاب ملی محصور در مرزهای روسیه نبود. این انقلاب آغاز موج انقلاب جهانی بود که شعله‌های آن بخش قابل‌توجهی از کره خاکی و به‌ویژه کشورهای اروپایی را درنوردید. به دنبال پیروزی طبقه کارگر، خیزش‌های انقلابی آلمان را نیز فراگرفت. مناطقی از آلمان صحنه درگیری‌ها و زدوخورد کارگران و شوراهای آنان با پلیس بورژوازی گشت. سوسیال‌دمکراسی آلمان وارد کارزار خونینی علیه موج انقلاب کارگری شده و نقش مهمی در شکست انقلاب آلمان ایفاء نمود. به دلیل عدم آمادگی کمونیست‌های آلمانی و تشتت میان آن‌ها، مناطقی که مدت کوتاهی تحت کنترل شوراهای کارگری بود به سرعت سقوط کرد.

در سایه ناتوانی کمونیست‌های آلمان، دسته‌های مسلح و آدمکشان وابسته به سوسیال‌دمکراسی قادر شدند تا رهبران برجسته جنبش کمونیستی آلمان مانند روزا لوکزامبورگ را به قتل رسانند. سوسیال‌دمکراسی همچنین از سرخوردگی و ناامیدی هزاران کارگر که در قیام مسلحانه علیه سرمایه‌داری نقش اصلی را ایفاء کرده بودند، سود جسته و اکثریت شوراهای کارگری را تحت سیطره خود به سازش و تسلیم واداشت. در دیگر کشورهای اروپایی و به‌ویژه ایتالیا نیز خیزش‌های کارگری به دلیل عدم آمادگی احزاب کمونیست این کشورها با شکست مواجه گشت. بدین‌سان با شکست انقلاب در آلمان و اروپا چشم‌انداز انقلاب اکتبر در هاله‌ای از ابهام و انتظار فرورفت.

دولت‌های سرمایه‌داری از همان ابتدای پیروزی انقلاب اکتبر تهاجم وسیعی را علیه کمونیسم و طبقه کارگر سازمان دادند. انقلاب اکتبر آماج تهاجم نظامی، سیاسی و ایدئولوژیک بی‌سابقه‌ای قرار گرفت. ارتش‌های بیش از پانزده کشور سرمایه‌داری دست به هجوم نظامی علیه شوروی زدند. حکومت نوپای کارگری در معرض جنگ، قحطی و محاصره اقتصادی چشم به پیروزی موج انقلاب جهانی و یاری طبقه کارگر اروپا برای حفظ و تداوم انقلاب دوخته بود. با توقف انقلاب در آلمان و ناتوانی احزاب کمونیست اروپا در انجام رسالت تاریخی خود، حلقه محاصره شوروی تنگ‌تر و تنگ‌تر شد.

حزب بلشویک ناگزیر گشت تا پروسه انتقال قدرت به شوراهای کارگری را متوقف ساخته و دست به عقب‌نشینی موقت زند. شرایط اضطراری موجب شد تا تمام قدرت در دست حزب متمرکزشده و وجود فراکسیون‌ها و گرایشات متعدد کارگری و کمونیستی ممنوع اعلام شود. آزادی سیاسی که می‌بایست تا سر حد آزادی اقتصادی تولیدکنندگان از بردگی مزدی پیش رفته و به تسلط آنان بر امور اداری و اقتصادی منتهی می‌گشت، به دلیل شرایط جنگی بکلی محدود شد. در عرصه اقتصادی نیز سیاست نپ به‌عنوان یک سازش موقت برای ممانعت از فروپاشی اقتصادی کشور به کار گرفته‌شده و سپس نیز مدیریت فردی بر صنایع سیطره یافت. این تدابیر اما با شکست قطعی انقلاب جهانی و سپس نیز تسلط استالینیسم مبدل به مشخصات

تاریخی ساختار اقتصادی و سیاسی شوروی شدند. تدابیری مانند ممنوعیت گرایشات و فراکسیون در حزب کمونیستی، محدود شدن تحول اقتصادی به دولتی شدن صنایع با مدیریت فردی، محصور شدن روند انقلاب و سوسیالیسم در یک کشور و همه و همه بعدها جزئی از مشخصات ایدئولوژیک استالینیسم گشت.

شکست انقلاب اکتبر اما یک رخداد ساده نبود. این درست است که شکست انقلاب روسیه به‌صورت یک شکست نظامی سیاسی، همچون یک رخداد ناگهانی به وقوع نپیوست اما این شکست در خفا و به‌آرامی نیز صورت نگرفت. سنگرها و مواضع طبقاتی پرولتاریا در عرصه سیاسی، نظری و تشکیلاتی گام‌به‌گام و در جدالی خونین با کمونیست‌ها پس گرفته شد.

«اپوزیسیون کارگری» برای حفظ دستاوردهای انقلاب مقاومت چشمگیری را سازمان داد. «اپوزیسیون چپ» به رهبری تروتسکی علیه گندیدگی سیاسی حزب قد علم کرد. کمونیست‌های چپ در روسیه و همه جا (از جمله سلطان‌زاده به‌عنوان رهبر حزب کمونیست ایران) و به‌ویژه کمونیست‌های چپ در اروپا به دفاع از مواضع طبقاتی کارگران برخاسته و بخش قابل‌توجهی از کمونیست‌های روسیه تیرباران شدند. تقریباً کلیه گرایشات مزبور از دم تیغ استالینیسم گذرانده شدند و رهبران آن‌ها یا سر به نیست شده یا مورد پیگرد قرار گرفتند. انقلاب اکتبر در پایان دهه اول حیات خود، به دلیل شکست موج انقلاب جهانی و تنها ماندن کارگران شوروی از پای درآمد .حال دیگر، صنعتی شدن سریع با اتکا بر مدل معینی از سرمایه‌داری و تحزب چپی، به نام کمونیسم عرض‌اندام کرده بود. بورژوازی غرب با معرفی آنچه در روسیه جریان داشت به نام کمونیسم، تبلیغات زهرآگین و بی‌وقفه‌ای را علیه تحزب و کمونیسم به راه انداخته و ده‌ها جبهه سیاسی و نظری علیه جنبش کمونیستی گشود. جنبشی که اکنون یک شکست سهمگین تاریخی را تجربه کرده و در آستانه دورانی از انزوای سیاسی قرارگرفته بود.

اگرچه «اپوزیسیون کارگری» نتوانست سنت کمونیستی را احیاء کند، اما نقش این گرایش به مثابه یک سنگر مقاومت در پروسه شکست انقلاب کارگری در تاریخ ثبت شد. اگرچه تروتسکی یک عقب‌نشینی گام‌به‌گام انقلاب را در مواضع و برنامه پیشنهادی خود به نمایش گذاشت، اما به‌عنوان یک انقلابی بزرگ نقش مهمی در انقلاب اکتبر و مقاومت علیه استالین ایفاء کرد. علیرغم نقش مخرب و ضد انقلابی جنبش تروتسکیستی در بعد از جنگ جهانی دوم، آثار تروتسکی از دستاوردهای نظری انقلاب اکتبر محسوب می‌گردند. به‌رغم خارج شدن جنبش تروتسکیستی از صحنه مبارزه پرولتری، به‌رغم پیوستن جنبش آنارشیستی به اردوی سرمایه‌داری، به‌رغم پاسیفیسم و ناتوانی کمونیسم شورایی و به‌رغم همه شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های تحمیلی بر جنبش کارگری و کمونیستی، استمرار سیاسی و تاریخی این جنبش همیشه تداوم داشته است. سنت کمونیست‌های انترناسیونالیست، سنتی که حزب کمونیست ایتالیا طی دهه‌های بعد از جنگ دوم جهانی تنها مدافع آن بود، بر درس‌ها و دستاوردهای تاریخی انقلاب اکتبر استوار است.

انقلاب اکتبر، بعد از کمون پاریس، اولین تجربه جنبش جهانی کمونیستی در نوع خود بود. تجربه تاریخی که درس‌های بزرگی برای پرولتاریای جهانی به‌جای گذاشت. شکست انقلاب اروپا و ناتوانی احزابی که به‌تازگی به جبهه مبارزه کمونیستی پیوسته بودند نشان داد که تشکیل انترناسیونال به‌صورت جمعی از احزاب کمونیست ملی، شکل مناسبی برای مقابله با سرمایه‌داری جهانی نیست.

شکست انقلاب در آلمان نشان داد که تلاش شوراهای کارگری بدون یک حزب سیاسی منسجمی که جزئی از خود طبقه بوده و انقلاب را سازمان دهد، دچار هرج‌ومرج فاجعه‌باری می‌گردد.

شکست جنبش انقلابی ایتالیا نشان داد یکسان گرفتن شوراهای کارگری به‌عنوان اقدام طبقاتی که از منافع کارگران به مثابه یک طبقه دفاع می‌کنند، با شوراهای کارخانه که از منافع گروهی از کارگران در کارخانه دفاع می‌نمایند برای انقلاب امری مخاطره‌آمیز است.

شکست انقلاب اکتبر و به دنبال آن شکست موج جهانی انقلاب نشان داد که انقلاب کمونیستی نیاز به یک حزب جهانی منسجم با استراتژی مشخص و تاکتیک‌های متناسب با شرایط هر کشور و منطقه دارد.

انقلاب آتی سوسیالیستی با به‌کارگیری درس‌های شکست دو کوشش تاریخی کارگران و جنبش کمونیستی راه را برای برپایی جامعه جهانی انسانی، جامعه‌ای فارغ از بردگی مزدی، جامعه عاری از فقر و جهل و جنگ را خواهد گشود. خاطره تابناک و پر افتخار انقلاب اکتبر بر تارک قله‌های تاریخ بشر همیشه خواهد درخشید.

زنده‌باد انقلاب جهانی پرولتاریا، زنده‌باد کمونیسم

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

۲۴ مهر ۱۳۸۱ - ۱۶ اکتبر ۲۰۰۴